



انترناسیونال

۵۰۰

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۹۲، ۱۲ آوریل ۲۰۱۳ - ۱۲ صفحه



فورا به یاری مردم زلزله زده بوشهر بشتابیم

صفحه ۲

زنده باد اول مه! زنده باد انقلاب کارگری!

کارگران!
يك اول مه ديگر فرا رسيد و ما همچنان محروم ترين بخش جامعه همچنان زير سيطره يك اقليت بي اند. امسال حكومت اسلامي خاصيت و مفتخور بنام طبقه سرمايه داران با گستاخي تمام سرمايه دار قرار داريم. يك اول مه دستمزد يك پنجم خط فقر را براي ديگر فرا رسيد و توليد كنندگان

صفحه ۲

كابوس "انتخابات ۹۲"!

بحران جمهوری اسلامی با یا بدون انتخابات سرچایش هست و رفع آن از درون جمهوری اسلامی ممکن نیست. چرا که اساس این بحران وجود رژیم است که از ابتدا هم به جامعه ایران و دنیای امروز نجس بود و باید برود. كابوس انتخابات ۹۲ هم در واقع شکلی از بروز مشخص آن بحران است.



مصطفی صابر

صفحه ۳

کنفرانس برلین از نوع دوم

سیصد دانشجو جلسه وزیر دفاع

آلمان را بهم زدند

جمهوری اسلامی باید در سازمان جهانی کار و همه مراجع جهانی بایکوت شود

صفحه ۶

از شهلا دانشفر

تشکل وعضویت در تشکلهای کارگری
حق بی چون و چرای کارگران است

صفحه ۱۰

عبدل گلپریان

سه پرونده در سال ۹۱

صفحه ۱۱

محمد شکوهی

زن آزاد

صفحه ۷

-فرح صبری

جانیان اسلامی با مرخصی بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی مخالفت کردند

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا
به شش ماه حبس تعزیری
محکوم شدند

انتخابات ریاست جمهوری "کابوس حکومت اسلامی"

صفحه ۴

میراث مارگارت تاچر

از میراث تاچر چیزی جز یک سرمایه داری
بازار آزاد عمیقاً بحران زده باقی نمانده است



کاظم نیکخواه

صفحه ۵

اتحادیه مونتاز استرالیا خواستار بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی
در سازمان جهانی کار و همه مراجع جهانی شد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد اول ماه مه

از صفحه ۱

ما رقم زده است، گرانی و فقر و فلاکت بیسابقه ای را بر توده کارگران و اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده، و خیل زندانبانان و شکنجه گران و جاسوسانش را نیز برای تداوم این شرایط علیه ما و همه مردم محروم و معترض بسیج کرده است.

کارگران!

در اول مه میلیونی و سراسری به خیابان بیابید! یک اول مه میلیونی و سراسری لرزه مرگ بر کاخ حاکمین

تماما زیر و رو کرد و نه فقط کارگران بلکه همه مردم را از دست دزدان وحشی و مرتجع سرمایه دار و میلیاردر رها نمود.

اول مه روز اعلام کیفرخواست کارگران علیه کل دنیای سرمایه داری و روز فراخواندن اکثریت عظیم مردم بزیر پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر است.

اول مه امسال را به روز اعتراض به فلاکت و زندگی زیر خط فقر، روز اعتراض به سرکوب و خفقان و بی حقوقی و تبعیض و روز دفاع از آزادی و برابری و رفاه برای تک تک مردم تبدیل کنیم.

اول مه امسال باید روز گشودن افق انقلاب کارگری علیه نظم ضد انسانی موجود باشد.

در اول مه باید کار را تعطیل کنیم. تجمعات بزرگ و کوچک خود را در سراسر کشور برپا داریم. جشن بگیریم، سخنرانی کنیم، قطعنامه هایمان را اعلام کنیم، به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر اعتراض کنیم. به دستگیری ها و اعدامها و

می اندازد و به کل صفوف خود ما نیز نیروی عظیم مان را که گلوگاه این جامعه را در دستان خود داریم یادآور میشود. حاکمین ارتجاعی اسلامی در رقابت قدرت و ثروت بیش از هر زمان به جان هم افتاده اند و در انزوای کامل بین المللی چشم اندازی برای آینده ندارند. یک اول مه میلیونی ضربه ای کاری به حکومت اسلامی سرمایه داران وارد خواهد کرد. باید این نظم ضد انسانی را

فورا به یاری مردم زلزله زده بوشهر بشتابیم

متأسفانه عصر امروز زلزله ای شش ریشتری در چندین شهر استان بوشهر خسارات جانی و مالی سنگینی به مردم وارد کرد. مقامات رژیم از حدود ۴۰ کشته و ۹۰۰ مجروح خبر میدهند و میتوان حدس زد که تعداد قربانیان بسیار بیشتر از این ارقام است. شهرهای خورموج، کاکلی و دشتی از مراکز اصلی زمین لرزه بوده و در نقاطی مانند بخش شنبه ۹۰ درصد خانه ها ویران شده است. جمهوری اسلامی نه آمار واقعی میدهد و نه بدون فشار مردم کمک

موتری به مردم آسیب دیده میرساند. یکی از مقامات حکومت بشهرمانه اعلام کرده است که تعداد قربانیان بالا نیست گوئی نزدیک به هزار کشته و زخمی، حتی اگر آمار اعلام شده صحت داشته باشد، تعداد قابل توجهی نیست. آخرین زلزله قبل از بوشهر، زلزله ورزقان در آذربایجان بود که مقامات تعداد تلفات را از مردم پنهان کردند و بلافاصله عملیات تجسس را خاتمه دادند و مردم زیادی زیر آوار جان دادند. در زلزله ورزقان این مردم

شریک میدانند، صمیمانه به آنها تسلیت میگویند و از مردم بوشهر و استانهای اطراف و از مردم در سراسر کشور میخواهد فورا و با تمام قوا به یاری مردم زلزله زده بشتابند، کمک های خود را مستقیما به آنها برسانند و با اعتراض خود، حکومت اسلامی را وادار کنند امکانات بیشتری به نجات مردم، مداوای مجروحین و بازسازی خانه های مردم کند.

مجروحین باید با بهترین امکانات در ایران و در صورت لزوم در خارج کشور مداوا شوند، غذا، پوشاک، چادر و پتو و سایر امکانات زندگی

شیرین آذربایجان و سایر نقاط ایران بودند که بیشترین کمک ها را به مردم رساندند و رژیم از همان ابتدا نیروهای سرکوبش را به منطقه اعزام کرد تا جلو کمک های مردمی را بگیرد، دهها نفر را دستگیر کرد و مردم را در سرمای کشنده منطقه بحال خود وا گذاشت. اولین اقدام رژیم در بوشهر نیز اعزام نیروهای سرکوبگر به منطقه و پایان دادن به تجسس بوده است.

حزب کمونیست کارگری خود را در اندوه بستگان قربانیان زلزله بوشهر

جانیان اسلامی با مرخصی بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی مخالفت کردند



جایتکارانه رژیم اسلامی را محکوم کنید و خواهان آزادی فوری آنها و همه کارگران زندانی و زندانبانان سیاسی از زندان شوید.

۲۱ فروردین ۹۲،
۱۰ آوریل ۲۰۱۳
کمپین برای آزادی کارگران زندانی

به زندان بازگردانده شوند. بهنام باید در کنار فرزند بیمارش نیما باشد. با کارزاری جهانی وسیعا به این تصمیم جنایتکاران رژیم اسلامی اعتراض کنیم.

به هر شکل که میتوانید با "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در دفاع از بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی با ما همکاری کنید. با طومارهای اعتراضی خود این تصمیم

اطلاعیه شماره ۹۷

بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک و رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد دو تن از رهبران محبوب کارگری هستند. این دو فعال کارگری در موقعیتی اضطراری و زیر فشار کارزاری جهانی تحت عنوان مرخصی از زندان آزاد شدند.

نیما تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده بخاطر ابتلاء به بیماری خونی خطرناک بیش از سه ماه است در بیمارستان محک تهران بستری است. به همین علت نیز رژیم اسلامی ناگزیر به موافقت با مرخصی او شده بود. بهنام روز ۲۰ فروردین برای تمديد مرخصی اش به مقامات قضای جمهوری اسلامی مراجعه کرد، اما آنان به او اعلام نمودند که وزارت اطلاعات با مرخصی وی مخالفت کرده است و ظرف چند روز آینده باید خود را به زندان اوین معرفی کند. بهنام ۵ سال حکم زندان دارد که سه سال آن سپری شده است. جرم او مبارزاش در دفاع از حقوق کارگران و حقوق کودک است. بهنام در این مدت بخاطر بیماری فرزندش حتی نتوانسته است برای معالجه بیماریهایی که در زندان و زیر شکنجه جانیان اسلامی پیدا کرده است، اقدامی کند. بهنام بخاطر شکنجه هایی که شده ۷۵ درصد شنوایی گوش چپش را از دست داده است و از ناحیه مهره های گردنش

از صفحه ۱ کابوس انتخابات ...

انترناسیونال: اطلاعاتی حزب از "انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۹۲ بعنوان کابوس حکومت" و "بحران درخود برای رژیم" صحبت میکنند. منظور از این عبارت "بحران درخود" چیست؟

مصطفی صابر: آنچه که در جمهوری اسلامی "انتخابات" نامیده میشود بطورکلی، و انتخابات ریاست جمهوری بطور اخص، مکانیسمی بوده اساسا برای حل و فصل اختلافات "خودی" ها و رسمیت دادن به توازن قوای بین جناح ها و جنگ قدرت دسته بندی های درونی رژیم اسلامی. این مکانیسم همواره دچار تناقض و عرصه کش و قوس ها، تقلب ها و انواع زد و بندها برای کنار زدن رقیب و در معرض "مهندسی" بوده است. اما با بلایی که مردم بر سر "انتخابات ۸۸" آوردند و با استفاده از شکافها و تناقضات اوپاش اسلامی عملا آنرا به صحنه بزرگترین تظاهرات ها و جنگ و گریز خیابانی علیه حکومت اسلامی با شعار اصلی "مرگ بر دیکتاتور" تبدیل کردند، دیگر فاتحه این مکانیسم عملا خوانده شد. حتی خامنه ای تلاش کرد که کل این مضحکه "انتخابات" را با جایش دور بیندازد و مقام رئیس جمهوری را حذف کند. اما ظاهرا سبک سنگین کرد و دید بهتر است علی الحساب این مکانیسم را حفظ کند ولی نگذارد بقول خودش این مسئله "امنیتی" بشود و زمینه ساز "فتنه" گردد. اما عملا به جز گروههای محدود و پر از جنگ و دعوی "اصولگرایان" وفادار به خامنه ای و بیت اش، بقیه دار و دسته های جمهوری اسلامی، از اصلاح طلبان گرفته که سازندگان اصلی جمهوری اسلامی بوده اند تا رفسنجانی که خودش روزگاری سر دسته اصولگرایان بود و تا احمدی نژاد که زمانی "سونامی" همین حضرات بود، همه یا "فتنه گر" و "بی بصیرت" و یا "انحرافی" شده اند. مجموعه این شرایط، البته در متن

بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی از یکسو و خشم و نفرت انفجاری مردم علیه رژیم و اوضاع از سوی دیگر، سبب شده که مساله انتخابات به يك بحران درخود برای جمهوری اسلامی تبدیل شود که مخاطراتی در بر دارد و همانطور که در اطلاعاتی حزب گفته شده میتواند نقطه تلاقی و محل بروز بن بست های جمهوری اسلامی و تلاطمات سیاسی شود که نه از تاك نشانی باقی گذارد و نه از تاك نشان!

انترناسیونال: آیا ممکن نیست جمهوری اسلامی بتواند این کابوس و بحران "انتخابات ۹۲" را بطریقی از سر بگذراند؟ مثلا آیا بنظر شما جناحهای مختلف درون حکومت نمی توانند بر سر نتیجه "انتخابات" به توافق برسند و یا اینکه نتیجه انتخابات در درون نظام وحدت ایجاد نماید؟

مصطفی صابر: ابتدا تاکید کنم که حتی اگر جمهوری اسلامی قادر باشد این کابوس انتخابات را بنوعی از سر بگذرانند، همانطور که در اطلاعاتی حزب هم آمده، قادر نخواهد شد که بحران داخلی و بین المللی که جمهوری اسلامی با آن روبروست را حل کند. بحران جمهوری اسلامی با یا بدون انتخابات سرچایش هست و رفع آن از درون جمهوری اسلامی ممکن نیست. چرا که اساس این بحران وجود رژیمی است که از ابتدا هم به جامعه ایران و دنیای امروز نجسب بود و باید برود. کابوس انتخابات ۹۲ هم در واقع شکلی از بروز مشخص آن بحران است. در ضمن جمهوری اسلامی "توافق" بردار نیست. از همان روز اول نیروهایی که جمهوری اسلامی را ساختند شروع کردند به واگرایی و حذف یکدیگر با بمب و زندان و کودتا و غیره. این "جنگ بازنده ها" تا همین امروز هم در جریان است. فراموش نکنیم موسوی نخست وزیر

اینها در اوج "دوران طلایی" فرود آمدن ضربات "ذوالفقار" علی بر فرق جامعه ایران، یا کروی که در مجلس اطلاق طلبان ایستاد و از "حکم حکومتی آقا" جانانه دفاع کرد، اکنون در حبس خانگی اند. کسانی که خود سازندگان وزرات اطلاعات و سپاه و مبتکران "توبه" و جنایات شنیع اسلامی دهه اول حکومت اسلامی بودند الان خود یا توبه کرده یا در زندان اند. تهدید زندان حتی تا بیخ بیت رفسنجانی یار غار ۵۰ ساله خامنه ای رفته است. و اینها بر خلاف تعبیر دوحرداری ها و یا مفسرین بی بی سی به خاطر خوی "انحصار طلب" خامنه ای و بیت اش نیست، بلکه يك روند اجتناب ناپذیر در سیر تحول جمهوری اسلامی است. این يك حکومت اسلامی سرمایه داری است که از سر ناچاری در مقابل انقلاب ۵۷ علم شد و از خشت اول کج بود. اگر بخواهد چند صباحی بیشتر بماند و خون و لجن به جامعه بپاشد مجبور است به همین راهی که خامنه ای امروز نمایندنده پروپا قرص آنست برود. به مجرد کوچکترین تعلق و انعطاف در این راه، آنوقت دعوای در بین خودشان حتی حادثه هم خواهد شد و مردم به جان آمده بر سر اینها خواهند ریخت و کارشان را تمام خواهند کرد.

انترناسیونال: آیا خرداد ۹۲ شباهتی به خرداد ۸۸ خواهد داشت؟ کلا چه تفاوتی با "انتخابات" قبلی دارد و چه عواملی آن را با قبلی ها متفاوت می کند؟

مصطفی صابر: تاریخ دو بار تکرار نمی شود. هم رژیم و هم مردم از انقلاب ناتمام ۸۸ درس های زیادی گرفته اند. رژیم این بار بسیار مراقب است که کوچکترین منفذ را هم ببندد که مبادا "فتنه" تکرار شود. مردم هم آموخته اند که اینبار اگر فرصتی گیر بیاورند صدار رادیکالتر رژیم و ارکان و ارزش هایش را مورد هجوم قرار دهند. رژیم اسلامی در قیاس با مقطع خرداد ۸۸ بسیار آبرو و باخته تر و ضعیف تر و شکننده تر است.

اوضاع اقتصادی صدار وحشتناکتر از آن وقت است. موقعیت بین المللی رژیم با شکست اسلام سیاسی بدنبال وقایع و انقلابات چند سال اخیر بمراتب منزوی تر است. دعوای رژیم بمراتب حادثه تر از مقطع ۸۸ است. طوری که حتی معلوم نیست اینها تا قبل از انتخابات ۹۲ به جان هم نیفتند. مردم هم علاوه بر تجارب ۸۸ با دقت تجارب انقلابات تونس و مصر و غیره را دنبال کرده اند و بسیار آموخته اند. و بالاخره و این شاید مهمترین فاکتور است، جامعه ایران اکنون بخصوص به دلیل وضعیت بسیار وخیم اقتصادی به يك انبار باروت شبیه است. همه این فاکتورها به ما میگوید که ما با وضعیت شرایط متفاوتی نسبت به خرداد ۸۸ روبرو هستیم و لذا وقایع بطور متفاوتی رقم خواهد خورد.

انترناسیونال: فکر میکنید مردم با "انتخابات ۹۲" چه برخوردی خواهند کرد؟

مصطفی صابر: مردم در همه به اصطلاح انتخابات های رژیم با يك سوال عمومی روبرو بوده اند: در قبال مضحکه ای که قرار است جنگ قدرت بین اوپاش اسلامی را حل و فصل کند، مردمی که میخواهند سر به تن این نظام و این بساط سیاه فقر و فلاکت و اختناق اسلامی نماند چه باید بکنند؟ هنوز هم این سوال مقابل مردم است. آنها به دقت دارند همه چیز را نگاه میکنند و می سنجند. پیش بینی حرکت مردم دشوار است. ولی در يك چیز تردید نیست. مردم مجموعا در جهت در تنگنا قرار دادن و تضعیف رژیم اسلامی و تسهیل شرایط برای گسترش اعتراض و مبارزه خود حرکت خواهند کرد.

انترناسیونال: فراخوان حزب کمونیست کارگری به مردم در رابطه با "انتخابات ۹۲" چیست؟ حزب به سیاق "مهندسی انتخابات" رژیم از عبارت "مهندسی انقلاب" مردم علیه جمهوری اسلامی صحبت

کرده، منظور چیست؟

مصطفی صابر: آنچه که در اطلاعاتی حزب "در باره انتخابات ۹۲" مردم را به آن توجه داده ایم اوضاع وخیم جمهوری اسلامی و بن بست ها و تناقضاتش است و اینکه کارگران و مردم باید در دل این اوضاع انقلاب خود علیه کل جمهوری اسلامی را تدارک ببینند. ما مردم را فراخوانده ایم که فعالانه در اوضاع دخالت کنند. از هر شرایطی استفاده کنند و صفوف خود را متحد و متشکل کنند، اعتراضات خود را گسترش دهند و آماده شوند تا نه فقط کل جمهوری اسلامی را از سر راه جامعه ایران برویند بلکه خود اختیار زندگی را تماما بدست گیرند و الگویی از يك جامعه آزاد و برابر و انسانی را به جهان عرضه کنند. ما طبعا و کمافی السابق جمهوری اسلامی و مضحکه انتخاباتش را فاقد هرگونه مشروعیتی و مادون بحث "شرکت یا تحریم" میدانیم. ما همچنان فکر میکنیم که کل این بساط انتخابات جمهوری اسلامی را باید بر سرش خراب کرد و اینبار باید بمراتب سازمانیافته تر و متعین تر از سال ۸۸ انقلاب علیه جمهوری اسلامی را در دستور گذاشت و تا به آخر پیش برد. تا آنجا که به "انتخابات ۹۲" بر میگردد ما تاکید داریم که این بن بست و کابوس حکومت فرصتی است برای کارگران و مردم تا انقلاب خودشان را متعین و "مهندسی" کنند. در رابطه با متعین کردن انقلاب خواننده را به مقاله مسوسط حمید تقوایی در شماره قبل همین نشریه رجوع میدهم. اینجا فقط بر این تاکید میگذارم که فاکتور مهم برای دخالت سریع و صحیح کارگران و مردم در اوضاع، بسط و گسترش واحد ها و تشکیلات حزب کمونیست کارگری و نفوذ آن در همه عرصه ها و در محیط کار و تحصیل و همینطور دنبال کردن و عملی کردن سیاست ها و فراخوانهای حزب است.

(۱۱ آوریل ۲۰۱۳)

"انتخابات ریاست جمهوری" کابوس حکومت اسلامی درباره "انتخابات" خرداد ۹۲



"انتخابات ریاست جمهوری اسلامی" در خرداد ۹۲ به کابوس حکومت و بحرانی در خود برای رژیم تبدیل شده است. دار و دسته های حکومت نگران و مشوش از موقعیت خود در جنگ قدرت دزدها و آینده نظام شان هریک به تک و تا افتاده اند تا بشیوه خود "مهندسی انتخابات" کنند. یکی نعره "فتنه موقوف" سر میدهد و قداره ولایت چرخ میدهد. دیگری باد در "عبای شکلاتی" انداخته تا متاع گنبدیده "کسب مشروعیت برای نظام" را مگر با "اذن ورود به قدرت" تاخت بزند. سومی جن های همه اعصار، امام زمان و شاهان باستان را احضار کرده تا مگر برای نجات خود و نظام اسلامی "بهار" خلق کند. با این همه هیچکس حتی از فردای خود مطمئن نیست و نمی داند چه خواهد شد. هر کس در انتظار اتفاقات غیر مترقبه است. اما کل این معرکه کمدمی و جدی، تنها شکل وارونه بحران همه جانبه جمهوری اسلامی است. بحرانی که مستقل از "انتخابات" این رژیم را با بود و نبود روبرو کرده است. اهمیت "انتخابات" خرداد ۹۲ نیز به اعتبار همین بحران است. چرا که می تواند به نقطه تلاقی و محمل بروز بن بست های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جمهوری اسلامی بر متن شدیدترین جنگ قدرت و تلاطمات سیاسی وسیع تبدیل شود. آنگاه این يك فرصت برای کارگران و مردم جهت دخالت فعال در اوضاع سیاسی، تعرض به رژیم و مهندسی انقلاب خود علیه کل جمهوری اسلامی خواهد بود. جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی فروپاشیده است. اسلام سیاسی در پی انقلاب ۸۸ و انقلابات مصر و تونس ورشکسته شده و جمهوری اسلامی از لحاظ بین المللی منزوی تر شده و تحت محاصره و تحریم های شدید است. نزاع های درونی جمهوری اسلامی از هر زمان حادث تر و آشتی ناپذیرتر شده است. ساختارهای جمهوری اسلامی پوک تر از هر زمان شده و جایگاه خامنه ای بشدت لطمه خورده است. زبان دیالوگ بین حضرات زندان و حصر و

انتخاب مردم سرنگونی رژیم است، امر توده مردم "مهندسی" انقلاب و شکل دادن به يك حرکت متحد و متشکل برای بزیر کشیدن حکومت است. فعالین و نهادهای جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی باید هر چه متحد تر و متشکل تر و با خواستهای روشن و رادیکال در عرصه های مختلف به میدان بیایند. جمهوری اسلامی با تحمیل فقر و گرانی و بی تامینی اقتصادی بر بخش وسیعی از جامعه، با افزایش اعدامها و پیگرد و بازداشت فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی، با دریغ داشتن يك زندگی شاد و مدرن و انسانی از جوانان، با تحمیل بیشترین تضییقات و بیحقوقی ها به زنان، اکثریت قریب به اتفاق مردم را علیه خود بسیج کرده و زمیننه های يك انفجار اجتماعی علیه خود را بوجود آورده است. باید در همه این عرصه ها بمیدان آمد و مبارزات و اعتراضات پیگیری را علیه جمهوری اسلامی سازمان داد و به پیش برد. حزب ما با تمام نیرو و امکانات خود برای پیشبرد امر انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و کلیه نیروهای انقلابی و فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی را به مبارزه ای متشکل و متحد برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی و برپائی جامعه آزاد و برابر و مرفه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ فروردین ۱۳۹۲،
۴ آپریل ۲۰۱۳

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به شش ماه حبس تعزیری محکوم شدند

طبق خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است حکم محکومیت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه اول دادگاه بدوی انقلاب سنندج به وکیل این کارگران ابلاغ شد. بر اساس این حکم شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا هر کدام به اتهام توهین به نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند.

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه طبق خبری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است حکم محکومیت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه اول دادگاه بدوی انقلاب سنندج به وکیل این کارگران ابلاغ شد. بر اساس این حکم شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا هر کدام به اتهام توهین به نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند.

آزاد کارگران ایران، بدنبال بازداشت از سوی نیروهای امنیتی در دی ماه ۱۳۹۰، بعد از ۱۵ روز زندان آزاد شدند. این فعالین کارگری بعدا در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج به محاکمه کشیده شدند. قاضی دادگاه روز پنجم اسفند ماه ۱۳۹۱ در جلسه محاکمه این کارگران رسماً علنا به آنان اعلام کرد در صورت استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران حکم برائت شان را صادر خواهد کرد. این اظهارات رئیس دادگاه اسلامی با مخالفت این دو فعال کارگری مواجه شد و همانجا اعلام کردند که آنها در دفاع از حقوق خود و هم طبقه ایهایشان کوتاه نمی آیند. این بیدادگاه جمهوری اسلامی هنگامیکه در مقابل اراده محکم این دو فعال کارگری قرار گرفت حکم شش ماه زندان قطعی را به آنها ابلاغ کرد.

این بیدادگاه جمهوری اسلامی هنگامیکه در مقابل اراده محکم این دو فعال کارگری قرار گرفت حکم شش ماه زندان قطعی را به آنها ابلاغ کرد. این بیدادگاه جمهوری اسلامی هنگامیکه در مقابل اراده محکم این دو فعال کارگری قرار گرفت حکم شش ماه زندان قطعی را به آنها ابلاغ کرد.

اساس علیه فعالین کارگری، کارگران را ناچار کرد به قرار تعقیب قضایی و زندان علیه فعالین کارگری و دیگر فعالین سیاسی خاتمه دهد. باید برای آزادی همه کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان به میدان آمد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ آوریل ۲۰۱۳،
۲۳ فروردین ۹۲

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

میراث مارگارت تاجر

کاظم نیکخواه



اقتصادی و محرومیت تحمیل شد. چند قلم از عملکرد تاجر در

انگلستان عبارتند از قانون ممنوعیت اعتصاب بدون رای گیری که معنایش محدود کردن حق اعتصاب بود. خصوصی کردن بخش انرژی و آب و ترانسپورت و راه آهن که فشار کمزشکنی را به خانواده های کارگری و اقشار پایین جامعه وارد آورد و همچنان نیز ادامه دارد. کاهش و بعضاً قطع خدمات

عمومی و خصوصی کردن و طبقاتی کردن بهداشت و درمان و مدارس و خدمات آموزشی، فروش خانه های دولتی که در اختیار افراد فقیر و بیکار قرار داده میشود، بازگذاشتن دست صاحبان خانه ها در تعیین اجاره های نجومی با لغو قانون کنترل بر سطح اجاره خانه ها و موارد متعدد دیگری از این دست. در دوره تاجر بخش تولید صنعتی در انگلستان تقریباً تعطیل شد و میلیونها کارگر بیکار شدند، سرمایه های بزرگ دست کاملی بازی در سوداندوزی به هر شکلی پیدا کردند. اتحادیه های کارگری بشدت زیر فشار و محدودیت و تهاجم سیاسی قرار گرفتند. سرمایه داری انگلستان به یک سرمایه داری کاملاً انگل و غیر تولیدی تبدیل شد که استراتژی محوریش ثروت اندوزی از طریق بازی های مالی و بورکراسی اقتصادی و خرید و فروش سهام و اسپیکولاسیون قرار گرفت. این همان چیزی است که اکنون در همه جای دنیا و بدتر از همه در انگلستان به بن بست کامل رسیده است و بحران لاعلاجی گریبان آنرا گرفته است. شماری از همان روزنامه هایی که زمانی مبلغ

یکی دو سال پیش قدرتمندترین سرمایه دار انگلستان و شاید دنیا

بود، و طی سی چهار سال گذشته بنا به اسناد و شواهد تمام نخست وزیران انگلستان را تعیین کرده است، عملاً در انگلستان به میز مواخذه نشانده شد و به خاطر سوء استفاده از رسانه ها و جاسوسی و استراق سمع مکالمات خصوصی افراد متعدد، مورد تعرض و حمله و تحقیر قرار گرفت. او را نتوانستند رسماً محاکمه کنند، شاید چون تبعه انگلستان نیست، اما کاربدستان ارشدش را برکنار و محاکمه کردند و برخی اکنون در زندانند. و روبرت مرداک و پسرش جیمز مرداک بخاطر نجات سرمایه های عظیم شان ناچار شدند از راس کارتلهایشان کنار بکشند. این همان مرداک است که سرتیتر روزنامه هایش در برابر اعتصابات کارگری در سال ۱۹۷۹ این بود "رحم نباید کرد" و واقعا هم تاجر رحم نکرد و جنگ بیرحمانه ای را با کارگران اعتصابی و بویژه معدنچیان اعتصابی به کمک رسانه های بورژوازی به جریان انداخت و میلیونها خانواده کارگری را خانه خراب کرد.

تاجر و زوج آن ریگانیسم سرمایه داری بازار آزاد را به اوج بربریت آن رساندند. بسیاری از حقوق کارگران و مردم را که تاریخاً با مبارزات گسترده ای بدست آمده بود پس گرفتند. در واقع تاجر و ریگانیسم را میتوان سرمایه داری وحشی و عریان و برده وار معنی کرد. به کارگران و بخش اعظم جامعه شدیدترین ریاضت

یکی از خصوصیات مارگارت تاجر که این هفته درگذشت، صراحت لهجه او بود. او اگر به بیماری الزایمر دچار نمیشد قطعاً چند سال پیش اعتراف میکرد که تاجر و یا خط و سیاست او در انگلستان و در دنیا مدتهاست که شکست خورده و مرده است. گفته میشود که چند سال قبل وقتی که هنوز و هوش و حواسی داشت کسی با عصبانیت از او پرسید میراث تاجر برای انگلستان چیست. و او جواب داد نیکو لیبر! لیبر جدید. و او درست میگفت. تونی بلر و لیبر جدید ادامه تاجر بود. اما چندین سال است که تونی بلر و نیولیبِر نیز مثل ریگانیسم و نظم نوین و بوش و رامزفلد با سرافکنندگی کنار زده شده اند و از میراث تاجر چیزی جز یک سرمایه داری بازار آزاد عمیقاً بحران زده باقی نمانده است. و خیلی ها بدرست مقصر اصلی بحران کنونی در انگلستان را سیاستهای تاجرپرستی و ریگانی میدانند. تاجر در سال ۱۹۷۹ با چراغ سبز روبرت مرداک سلطان رسانه ها به قدرت رسید. این را همه کس در انگلستان میدانند و رسانه ها و صاحبان بارها با فاکت نشان داده اند و گفته اند. و تاجر نیز در عوض پلیس انگلستان را مأمور کرد تا اعتصاب کارگران چاپ متعلق به شرکتهای مرداک را با بیرحمی سرکوب کنند. و یکی از سببهای شکست و مرگ تاجر اقتصاد و سیاسی اینست که تا همین

تاجر و تاجرپرست بودند در سالهای اخیر تیتراهیشان "پایان سرمایه داری" بود. روشن است که سرمایه داری به پایان نرسید و مدتها طول میکشد که به پایان برسد. اما حقیقت اینست که سخنگویان این سیستم غیر انسانی سرازیری این نظام را به خوبی احساس میکنند و میتوان مطمئن بود که دیگر کسی این سفاهت را بخرج نمیدهد که همچون فوکویاما این نظام را همیشه و پایان تاریخ بنامد.

در مورد تاجر و تاجرپرست بسیار باید نوشت و حتما نوشته خواهد شد. زیرا شکل دهنده یک دوره تاریخ و تلخ بود که تداوم آن همان موجود کریهه بود که بوش و نئونکسرواتیستها آنرا "نظم نوین" نامیدند. نه فقط در انگلستان بلکه در سطح جهان تاجرپرست و ریگانیسم حامی سرسخت دیکتاتورهایی نظیر پینوشه و سوهارتو و امثالهم بودند. جنایات عظیمی در این دوره علیه بشریت صورت گرفت که هیچگاه فراموش نخواهد شد. مورسی (Morrissey) یکی از هنرمندان و خوانندگان مشهور انگلستان طی بیانیه ای در مورد تاجر میگوید: تمام حرکات او منفی بود. او از مردم متنفر بود؛

سوسیالیسم بیا خیز! برای رفع تبعیض

جمهوری اسلامی باید در سازمان جهانی کار و همه مراجع جهانی بایکوت شود



شلا دانشفر

انزوای جمهوری اسلامی در سطح جهانی و بایکوت آن در سازمان جهانی کار و همه نهاد های بین المللی، بندی از قطعنامه اتحادیه کارگران مونتئاژ استرالیا در پشتیبانی از مبارزات کارگران و مردم ایران است. این بخشی از کارزار جهانی ما است و تلاش داریم که این را به گفتگمانی جهانی تبدیل کنیم. هر ساله نیز با حضور خود در اجلاس های سالانه آی ال او "سازمان جهانی کار"، این خواست را با صدایی رسا فریاد زده و اعلام داشته ایم که جمهوری اسلامی ضد کارگر، ضد زن و ضد انسان است. این رژیم سنگسار، اعدام، زندان و شکنجه است و هیچ مشروعیتی از جانب مردم ایران ندارد. اعلام کرده ایم که جمهوری اسلامی مردم ایران را نمایندگی نمیکند و قاتل و سرکوبگر مردم است. اعلام کرده ایم که این رژیم سی و چند سال است که با سرکوب و جنایت بر کرده جامعه حکومت کرده و زندگی توده های مردم را هر روز بیشتر به فقر و تباهی کشانده است. اعلام کرده ایم که مردم ایران رژیم اسلامی را نمیخواهند و خیزش انقلابی مردم ایران در سال ۸۸ خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را به گوش جهانیان رسانده است. بدین ترتیب ما خواستار طرد و انزوای جمهوری اسلامی در سطحی جهانی شده ایم. ما در تمام اجلاس ها و تماسهایمان با سازمانها و نهادهای کارگری در سطحی جهانی چهره کریه رژیم

۲۶ و ۲۷ مارس خود چنین قطعنامه ای و با محکومیت و خواست انزوای سیاسی رژیم اسلامی را به تصویب رسانده است. قطعنامه کارگران مونتئاژ استرالیا موفقیتی در پیشبرد چنین گفتگمانی در سطحی جهانی است که بدون شک راه را برای پیشروی های بیشتر ما در این راستا باز میکند. هر موفقیتی در این زمینه میتواند سکوی پرشی برای ما باشد برای اینکه این خواست را جهانی کنیم. بخصوص اکنون که در آستانه اول مه روز جهانی کارگر است، اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در خرداد ماه برگزار میشود و جا دارد با تلاشی فشرده تر این خواست را به پیش بریم و به عنوان الگو و نمونه ای موفق، قطعنامه اتحادیه کارگران مونتئاژ را در دست گرفته و خواهان پیوستن همه اتحادیه های کارگری در سطح جهانی به این حرکت بشویم. ما بعنوان کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران، و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران تلاش میکنیم که امسال نیز در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار حضور یابیم و صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم.

ت، شاخه لیون فرانسه، اتحادیه راندگان اتوبوس، ونکور، شعبه ۳۰ اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی در سوئد، جنبش اشغال در ونکور، دریافت کرده ایم. همین جا ضروری میدانم که از تلاش های همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی و اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری در کشورهای مختلف سپاسگزاری کنم. یوران گوستاوسون، افسانه وحدت، فرامرز قربانی، سیامک بهاری در سوئد؛ مسعود ارژنگ، حبیب بکتاش، یدی محمودی در کانادا؛ ارسلان ناظری در استرالیا؛ پاسکال دکامپ، یدی کوهی در فرانسه؛ حسام شکری در عراق؛ جمال صابری در ژاپن و بهرام سروش از سخنگویان این کمیته سپاسگزاری کنم. کمیته همبستگی بین المللی کارگری در این مدت با فعالین کارگری در کشورهای بسیاری چون مصر، اسپانیا، ایتالیا، آلمان و فرانسه در تماس برقرار کرده و این ارتباطات و این تلاشها ما را در موقعیت مساعدتری برای پیشبرد کارزار خود در دفاع از کارگران زندانی و پیشبرد گفتگمانمان برای به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی در سطح جهانی قرار داده است.

شلا دانشفر هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری، و کمپین برای آزادی کارگران زندانی

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

اول مه روز نمایش اتحاد و عزم طبقاتی ماست. عزم پایان دادن به سیطره اقلیت بی خاصیت مفتخور و جنایت کار بر کل سرنوشت بشریت. عزم برپایی جامعه و دنیایی آزاد و برابر و شاد. ما همه کارگران شاغل و اول مه روز نمایش اتحاد و عزم مردم زحمتکش و محروم باید در این روز در تجمعات بزرگ و کوچک گرد هم آییم. جشن بگیریم، قطعنامه بدهیم، سخنرانی کنیم و اعلام کنیم که محرومیت و زندگی زیر خط فقر

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

زنده باد انقلاب کارگری،
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران

اشتغال زنان و "دورکاری"

فرح صبری

میتوانند از دور کاری پنجشنبه ها استفاده کنند و یا اینکه کلا از طرح دورکاری بهره ببرند و این به عنوان ایجاد تعادل بین وظایف مادری اجتماعی مطرح میشود! اما بطور واقعی نه تنها حمایتی از زنان با مشکلات خاص نمیشود بلکه باعث کم شدن ساعات اضافه کاری آنها و همین طور عدم پرداخت حق سنوات و بیمه به ازای ساعات تعطیل میباشد و در واقع به این ترتیب به شکل بسیار مزورانه ای به ساعات کاری، حقوق داده نمیشود بلکه به میزان کار انجام شده مزد پرداخت میشود و باعث محول شدن میزان کار بسیار بالاتری به کارمندان و کارگران زن در ازای هر ساعت کار میشود. این همان طرح "گار مزدی" به جای "روز مزدی" است. به این شکل زنان در ازای انجام کار مشابه مبلغ کمتری دریافت می کنند. در صورتی که برای زنان با مشکلات مطرح شده چیزی که مهم است میزان حقوق بالاتر است تا بتوانند از پس هزینه های فرزند بیمار و یا سرپرست خانواده بودن بر بیایند.

در این رابطه لاله افتخاری مخبر فراکسیون مجلس تصریح میکنند: "که در طرح دورکاری باید بازدهی کارمندان بالاتر از زمانی باشد که در محل کار حضور دارند همچنین کارمندان باید خدمات بیشتری را ارائه دهند." و این طرح را سرکار افتخاری طرحی برای به خدمت در

موضوع اشتغال و حضور زنان در عرصه های شغلی و اجتماعی همواره یکی از صحنه های نبرد بین زنان و سرمایه داران اسلامی در ایران بوده است. حکومت های سرمایه داری اشتغال زنان را همواره در شرایط بحران های اقتصادی قربانی سیاست های سود پرستانه شان میکنند و در مواقعی که میخواهند به قولی تعدیل نیرو (یا به بیکار سازی) کنند و سودشان را بالاتر ببرند به یاد حفظ پایه های خانواده می افتند و برای پاسداری از این نهاد "مقدس" اشتغال زنان را قربانی میکنند. اما در مورد سرمایه داران اسلامی که بند نافشان را اساسا با زن ستیزی و حذف زنان از عرصه های اجتماعی بریده اند، شمشیر شان بر علیه زنان بسیار برنده تر است و در سال های اخیر که بحران های اقتصادی بیش از پیش گریبان جمهوری اسلامی را گرفته طرح های متنوعی با رنگ و لعاب خدمت به زنان برای حفظ حریم خانواده و نگهداری از فرزندان به تصویب مجلس جانوران اسلامی رسانده اند.

طرح هایی با نام "دور کاری" که به عنوان حمایت از زنان مطرح میشود، در واقع همگی بر علیه زنان است. بر اساس این طرح مادران دارای فرزند زیر شش سال و یا معلول و یا سرپرست خانوار

آوردن اشتغال در رکاب خانواده میانمند! در حالیکه صریحا اعلام می کند نگرانی واقعی او بالا رفتن بهره وری کار میباشد نه مشکلات زنان!

هرچند در بخشی خصوصی چنین طرح هایی از قبیل کار در خانه، سالیان زیادی است که به کشیدن شیره جان کارگران فعال در این بخش مشغول میباشد، ولی دولت به عنوان بزرگترین سرمایه دار در ایران با عنوان کردن این قبیل طرحها بساط استثمار بیش از حد کارمندان را در دستور میگذارد. در طرح کار در خانه "به میزان کار انجام شده توسط کارگران مزد پرداخت میشود و عموما اینطور است که با رفتن کار به خانه در واقع تمامی اعضای خانواده تا پاسی از شب مشغول کار کردن میباشد تا میزان کار انجام شده بیشتر شود. و در واقع نیروی کار کودکان نیز در این طرح پنهان است.

در این رابطه خانی که کارمند بیمه بود میگفت: از وقتی که روزهای پنجشنبه را برایم به عنوان دور کاری به حساب میاورند آنقدر کار برایم به ازای این تعطیلی میگذارند که تمام روز پنجشنبه من را میگیرد. در حالیکه تا قبل از این پنجشنبه ها فقط ۴ ساعت به سرکار میرفتم و اگر اضافه میماندیم از اضافه کاری برخوردار میشدیم ولی الان کار بیشتری میکنم و اضافه کاری هم نمیگیریم."

خانم دیگری که در مهد کودک یکی از ادارات دولتی کار میکرد میگفت: تمام کارمندان را که فرزند زیر شش سال داشتند و بچه هایشان را به مهد کودک اداره میاوردند، به دورکاری فرستادند و مهد کودک اداره را تعطیل کردند و ما هم بیکار شدیم. "این سرمایه داران اسلامی با حذف کردن مهد های کودک در کنار مراکز زیر شش سال است میخواهند از "اشتغال در رکاب خانواده" حمایت کنند!!

اینکه زنان بخواهند بین وظیفه ی مادری و اشتغال چه تعادلی برقرار کنند دقیقا حق انتخاب با زنان است و جامعه باید تمامی خدمات لازم برای این حق انتخاب را فراهم کند و برای این منظور باید تمامی مراکز کاری از مهد کودک با استاندارد لازم برخوردار باشد تا زنان بتوانند با خیال آسوده به کارشان پردازند و برای فرزندان معلول یا بیمار نیز باید محیط های مناسب نگهداری از این کودکان وجود داشته باشد. اما اوباش اسلامی با رندی مخصوص خودشان تمامی خدمات اجتماعی را حذف کرده اند و تمامی وظایف را به دوش "مادران" انداخته اند تا در واقع جهنم زیر پای آنها را تکمیل کنند!! برای این کپک زده های اسلامی وظیفه ی اصلی زنان مادری کردن و فرزند آوری است نه شغل های اجتماعی و



در واقع با اجرای همه ی این طرحها میخواهند بگویند بروید به خانه و پستو های آن و به رفت و روب خانه داری بپردازید!

در واقع تمامی طرح هایی که برای اشتغال زنان به تصویب میرسد با هدف نا امن کردن وضعیت شغلی آنها است تا بتوانند زنان را به عنوان نیمی از جامعه از حق داشتن شغل محروم کنند و آنها را به کنیزکانی که باید در خانه به همسرانشان خدمت رسانی کنند تبدیل نمایند. علاوه بر این کار خانگی بر دوش زنان شاغل به عنوان کار دوم سنگینی میکند و اکثریت زنان شاغل بعد از اتمام ساعات کاری باید تا ساعتها در خانه کار کنند و این ستم مضاعفی است که جامعه ی سرمایه داری به زنان تحمیل میکند و از همین رو زنان باید با فریاد زنده باد سوسیالیسم تمامی قیود و بند هایی ستم جنسی را پاره کنند.

اتحادیه مونتاژ استرالیا خواستار بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و همه مراجع جهانی شد

به: ارسلان ناظری نماینده کمپین رسید. برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

دوست عزیز، در نشست ۲۶ و ۲۷ فور و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران استرالیا قطعنامه زیر به تصویب هستیم.

جمهوری اسلامی را بخاطر فشار بر روی فعالین کارگری و فعالین سیاسی محکوم میکنیم. از مبارزات کارگران و مردم ایران برای آزادی، حق تشکل، حق اعتصاب، داشتن يك زندگي انسانی، برابری و عدالت و کرامت انسانی حمایت میکنیم. خواهان انزوای سیاسی جمهوری اسلامی و بایکوت آن در کنفرانس جهانی کار (آی ال او) و همه مراجع و نهادهای جهانی

هستیم. اتحادیه کارگران مونتاژ استرالیا خرسندی خود را از حمایت از مبارزات شما اعلام میکند و آرزوی موفقیت شما را دارد.

آدره درتمر، دبیر کشوری اتحادیه کپی به شورای کشوری ۳ آپریل ۲۰۱۳

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

کنفرانس برلین از نوع دوم سپید دانشجو جلسه وزیر دفاع آلمان را بهم زدند!

در رسانه ها منعکس شده و سعی میکند جمعیت را ساکت کند بی فایده است. توماس د مایزیره وزیر دفاع وارد سالن میشود و با کف زدن ریتمیک سپید دانشجو مواجه میشود. فعلا کسی شك نکرده و تیم خبرنگاران

کند. ظاهرا همه چیز به خیر و خوشی پیش رفته بود و ایشان قرار بود در مورد سیاست دولت آلمان و فعالیتهای وزارت دفاع از همبستگی کشور و از این نوع تیتراها که کسی نمی فهمد منظورشان چیست، بیشتر برای فروش جنس بنجل از آن استفاده میکنند، سخنرانی کند.

سپید دانشجو در دانشگاه برلین در سالن حضور دارند و وزیر خبر ندارد که این دانشجویان روز قبل در سایتهای اینترنتی بین خودشان قرار گذاشته اند که ایدا به حرفهای وزیر گوش ندهند چرا که تجربه دارند دولت چه میگوید و چه میکند و به حرف مردم هم وقتی نمی نهد. بویژه اینکه الان دولت آلمان یکی از بزرگترین صادر کنندگان وسایل نظامی است و هر از چند گاهی کوس رسوایی اینکه این اسلحه ها در دست حکومتهای دیکتاتور چه

بلائی سر مردم آورده و ... رییس دانشگاه وارد ماجرا میشود. توماس د مایزیره وزیر دفاع وارد سالن میشود و با کف زدن ریتمیک سپید دانشجو مواجه میشود. فعلا کسی شك نکرده و تیم خبرنگاران کند. ظاهرا همه چیز به خیر و خوشی پیش رفته بود و ایشان قرار بود در مورد سیاست دولت آلمان و فعالیتهای وزارت دفاع از همبستگی کشور و از این نوع تیتراها که کسی نمی فهمد منظورشان چیست، بیشتر برای فروش جنس بنجل از آن استفاده میکنند، سخنرانی کند.

تعدادی از دانشجویان بالا نه به جنگ، شعار آنها است سن رفته و مانع سخنرانی و جلسه وزیر را بهم زدند. میزنند.



www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.INTERNASIONAL.COM

نشریه انترناسیونال:

زنده باد دانشجویان برلینی
کنفرانس برلین دوم در
تاریخ ثبت شد.
مینا احدی
۱ آوریل - ۲۰۱۳

International Committee Against Stoning
(http://stopstonningnow.com)
International Committee Against Execution
(http://notonemoreexecution.org)
For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

کنفرانس اسلام باید فوراً ملغی شود.

این امر انجام نشد. اما دنیا در این سالها یعنی از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ ساکت نماند. بسیاری فاکتورها عوض شدند. در کشورهای باصطلاح اسلامی انقلاب سر بلند کرد و در غرب ۹۹ درصدیها علیه یک در صد به خیابان رفتند. زنان در کشورهای اسلام زده مبارزه کردند جوانان و نسل فیس بک با خواست مدرنیته و آزادی و حرمت انسانی پیا خاستند و برای رسیدن به این حقوق بسیاری جان یاختند. همه دیدند که

دوایران ندا آقا سلطان دختری شبیه به دختران همین جامعه و شبیه به دختران ساکن برلین و کلن، در مقابل دوربین در یک میتینگ علیه حکومت اسلامی جان باخت. این روزها مردم دیدند که در تونس آمیناهایی هستند که با عکس

فرهنگ و سنت ضد زن قیام میکنند و زنان و جوانان و مردم در این کشورها مبارزه میکنند و از سکولاریسم و مدرنیته دفاع میکنند. این جنبش در کشورهای مثل تونس و مصر و در برابر نیروهای اسلامی تازه بقدرت رسیده که دولتها و رسانه های رسمی آنها را "معتدل" و "لیبرال اسلامی" لقب داده اند همچنان ادامه دارد و زنان

شجاعی مانند علیا المهدي و آمینا و هزاران جوان مدرن و پیشرو در راس این جنبش قرار گرفته اند. امسال کنفرانس اسلام دولت آلمان در شرایطی برگزار میشود که مردم همان مردم "مسلمان" در مصر و تونس و ایران و افغانستان علیه جنبش اسلامی و دولتهای اسلامی باصطلاح "لیبرال و میانه رو" سرسخانه مبارزه میکنند. درست در این شرایط چسبیدن دولت آلمان به کنفرانس اسلام یک تف سربالا است که باید فوراً فکری به حال آن

بشود. اکنون دوران سرازیری جنبش اسلامی است و باید دولت آلمان اینرا ببیند و دیگر بیش از این به

اسلامی بمنظور آرام کردن و خنثی کردن آنها است. پس کنفرانس اسلام، کنفرانسی برای انتگراسیون نیست، بلکه کنفرانسی است برای معامله با سازمانهای اسلامی. دولت آلمان مردم فراری از دست همین جنبش اسلامی و میلیونها نفر را دو دستی به آنها میدهد و سرنوشت این مردم ابداً برایش مهم نیست.

کنفرانس اسلام محصول پیشروی جنبش اسلامی و محصول باج گیری این جنبش بود. در آن کنفرانس و در طول چند سال معامله با جنبش اسلامی و مضحکه ای به نام کنفرانس اسلام، هیچ مشکلی حل نشده و هیچ فردی انتگره نشد، فقط

سازمانهای اسلامی امکانات گرفتند توجه رسانه ها به آنها جلب شد و به نوعی از دولت باج گرفتند که در مورد هر مسئله مهمی راجع به انتگراسیون و اسلام و غیره اینها را به رسانه ها دعوت میکنند و مردان و زنان با حجاب از این سازمانها در دوران مدرنیته و پیشرفت و تمدن با وقاحت از قرون وسطی دفاع میکنند، از جدا سازی جنسیتی در آلمان حرف میزنند و تقاضای بودجه و پول و تدریس اسلام و... را میکنند.

ما علیه این کنفرانس بودیم ما گفتیم که انتگراسیون با کمک مسجد و آخوند و فرهنگ ضد زن و چادر و حجاب به دست نمی آید. ما گفتیم باید از حقوق انسانی حرف زد و همه کسانی که در آلمان زندگی میکنند باید امکانات برابر و موقعیت برابری با مردم آلمان داشته و دولت باید از حقوق زنان و همه انسانها دفاع کند و این مردم را زیر دست و پای مرتجعین و تروریستهای اسلامی در واقع باج دادن به سازمانهای

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

هفتم ماه مه ۲۰۱۳ قرار است دولت آلمان، مجدداً در برلین کنفرانس اسلام برگزار کند.

اولین کنفرانس اسلام در سال ۲۰۰۶ برگزار شد و در آن از نمایندگان سازمانهای اسلامی دعوت کردند و در مورد "انتگراسیون مسلمانان" و مسائل مربوط به زندگی میلیونها "مسلمان" با نمایندگان سازمانهای اسلامی از کشورهای مختلف و یا با تشکل عمومی اسلامیها در آلمان حرف زدند.

این شوی مضحك واقعا به چه معناست؟ چرا باید در مورد میلیونها نفر از کشورهای اسلام زده کنفرانسی مجزا برپا شود و چرا در مورد این میلیونها نفر باید با سازمانهایی حرف زده شود که در پیرونده آنها دفاع از تروریسم و پولشویی و یا تحمیل حجاب و تهدید به ترور مخالفین وجود دارد؟

در جریان همان کنفرانس اسلام اول و بعد از آن نهاد مدافع قانون اساسی آلمان، اسامی تعدادی از سازمانهای اسلامی طرف حساب دولت را در لیست سازمانهای تروریست و پولشو و... مطرح کرد و عملاً نشان داد دولت آلمان با چه کسانی معامله و یا مذاکره! میکند.

چرا یکباره میلیونها نفر ساکنین آلمان مهر "مسلمان" بر پیشانیهایشان زده شد و چرا نمایندگان اینها سازمانهایی شدند که اصلاً این میلیونها نفر آنها را انتخاب نکرده بودند؟

آیا برای رسیدگی و بررسی امر انتگراسیون باید با سازمانهای مذهبی نشست؟ این چه معمایی بوده و هست؟ مشکل کجاست؟ شورای مرکزی اکس مسلم در سال ۲۰۰۷ تشکیل شد و یکی از انتقادات مهم ما به برگزاری همین کنفرانس اسلام بود. ما گفتیم که

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان ۱۱ آوریل ۲۰۱۳
www.Ex-Muslime.de

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید ازوله شوند، نباید با قوانین دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

میلیونها نفر مردم از کشورهای اسلام زده در آلمان زندگی میکنند و این میلیونها نفر نباید دست و پاگیر و بعضاً راسیستی و ضد خارجی محاصره شوند و این میلیونها نفر نباید در یک کیسه ریخته شده و مهر مسلمان به آنها زده شده و تحویل سازمانهای مرتجع و ضد زن اسلامی داده شوند.

این سیاست نوع دیگری از راسیسم است و باید فوراً پایان یابد. ما گفتیم هویت اصلی این میلیونها نفر انسان بودن آنها است و نه تعلق مذهبی آنها که آنها متفاوت است و بعضی از اینها نیز اساساً مذهبی ندارند. ما همان موقع به یک سوال محوری پاسخ دادیم.

عزت نامگذاری کنفرانس دولت آلمان به اسم کنفرانس اسلام اینست که در دنیا بیش از سه دهه است که یک جنبش اسلامی قرون وسطایی و آگرسیو و ضد انسانی فعال است، در جاهایی این جنبش قدرت سیاسی را در دست دارد و در همه جا با تهدید به ترور با سنگسار و جنایت و خودکشی و کشتن دیگران، از دنیا باج میگیرد.

دولت آلمان نگران این جنبش است و برای رام کردن اینها با آنها مذاکره میکند و مردم را دو دستی به این جریانات تحویل میدهد و برایش مهم نیست که این سازمانها و نمایندگان جنبش اسلامی در برلین بکنند و یا زنان مدرن را تهدید کنند و یا حتی قتل ناموسی سازمان دهند و یا دادگاههای شریعه سازمان دهند، برای دولت آلمان اینها مهم نبوده و نیست.

سیاستی که دولت آلمان دنبال میکند امتیاز دادن و در واقع باج دادن به سازمانهای

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

تشکل و عضویت در تشکلهای کارگری حق بی چون و چرای کارگران است



عبدل گلپریان

اقلیتی مفتخور مرکب از آیت اله ها و خیل سرمایه داران ریز و درشت و جیره خوارانشان که کوچکترین نقش و تأثیری در تولید اجتماعی ندارند، با استفاده از باندهای مسلح، زندانها و شکنجه گاههایشان، صاحب دهها و صدها تشکل، سازمان، نهاد و دیگر دم و دستگاه عریض و طویل سرکوبگرانه هستند که زیر چتر حکومت و دولت، برای بجیب زدن دست رنج کارگران و ثروت جامعه مشغول چاپیدن هستند. نود و نه درصد نیروی تولید کننده جامعه توسط همین مفتخوران اسلامی سرمایه که از قبل نیروی کار و رنج آنان سود و ثروتهای افسانه ای بچنگ آورده اند از حق تشکل و عضویت در آن محروم می شوند. کارگر را که تا ۳۲ ماه حقوق یک چهارم زیر خط فقرش را هم دریافت نکرده است با ایجاد ارباب، دستگیری، بازداشت و زندان به دست کشیدن از عضویت درتشکلش تهدید می کنند. تشکلی که کارگر در آن برای بدست آوردن همین حقوق ماهیانه اش و صدها مطالبه دیگر که لگد مال شده است اعتراض دارد و می خواهد با اتکا به آن حق خود را از حلقوم جانیان اسلامی بیرون بکشد. مدتی است از طریق مقامات و نهادهای یکی از همین دم و دستگاه سرکوبگر و ضد کارگری رژیم بنام دستگاه قضایی حکومت اسلامی در سنندج با دستگیری و بازداشت به فعالین کارگری فشار آورده اند که حق ندارند در هیچ تشکل کارگری و یا هر تشکل دیگر مستقل از دولت عضویت داشته باشند. دستگیری تشکلهای کارگری مستقل از

دولت با همبستگی، اتحاد و یکپارچگی خود حول خواستههای پایه ای و مشترک خود باید در اول مه نشان دهند که فعالین و تشکلهای کارگری نماینده و سخنگوی خواست و مطالبات کل جامعه بوده و می کوشند همه کارگران و تمامی تشکلهای آنان را زیر یک چتر واحد و برای رسیدن به حقوق و اهداف طبقاتی و انسانی شان گرد آورده و تقویت جمهوری اسلامی و نهادهای حکومت در سنندج و شهرهای کردستان علیه فعالین کارگری است. خاصیت این بگیر و ببندها برایشان این است که فضای ارباب ایجاد کنند، صدای اعتراض را خفه کنند و نهایتاً با وثیقه های دهها میلیونی تلاش و فعالیت فعالین کارگری و اعتراضات اجتماعی را خنثی و تشکلهای ضد کارگری دولت و این ترفند و تهدیدات سالهاست که سوخته و خاصیت خود را از دست داده است. کارگران نه تنها زیر بار این قلدرمنشی مثنی و اوپاشان اسلامی سرمایه نرفته و نخواهند رفت بلکه با صدای رسا اعلام کرده اند که تشکل و عضویت در آن حق بی چون و چرای قدرتمند جانوران اسلامی سرمایه را بزیر بکشند دور نیست. آن روز قلدرهای میلیاردر، سرمایه داران گردن کلفت دزد و فاسد اسلامی در دادگاههای علنی و مردمی باید پاسخگوی تهدیدات امروزشان علیه کارگران و فعالین کارگری باشند.

۱۱ آوریل ۲۰۱۳

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

سه پرونده در سال ۹۱



محمد شکوهی

پرونده ستار بهشتی

پرونده ستار بهشتی یکی از پرونده های مهم سال ۹۱ بوده است. این پرونده در کشمکش بین باندهای رژیم به بیرون درز کرد و گوشه ای از جنایات رژیم را افشا کرد. فشار افکار عمومی رژیم را ناچار کرد که وانمود به پیگیری این قتل کند. چندین جلسه دادگاه در این مورد برگزار شده، و مقامات مختلف رژیم اظهارات ضد و نقیضی درباره علت قتل ستار مطرح کرده اند. بعد از گذشت نزدیک به یکسال به گفته مقامات دادستانی رژیم ظاهراً تحقیقات در این مورد هنوز ادامه دارد. مادر ستار بهشتی بارها رو به جامعه صحبت کرده و بخاطر قتل فرزندش دادخواهی کرده است. او بارها اعلام کرد که نیروی انتظامی و همکارانش ستار را در زندان شکنجه کرده و کشته اند. اواخر هفته ای که گذشت موضوع قتل ستار دوباره در مجلس مطرح شد. وزیر کشور ناچار شده توضیحاتی بدهد دست آخر وعده پیگیری پرونده را داده اند.

محسنی اژه ای دادستان کل رژیم در توجیه کش دادن این پرونده گفت: "اگر این پرونده را زود به دادگاه می فرستادی می گفتند چرا بررسی کامل صورت نگرفته است؟ سه بار درباره علت مرگ، پزشکی قانونی نظریه داد که به نتیجه نرسیدند که

علت مرگ چه بوده است؟ برای اینکه قاضی نظر خود را اعلام کند او از پزشکان خواسته تا در جلسه ای در این باره بحث کرده و پزشکان به پرسش های او پاسخ دهند. در این پرونده يك نفر در بازداشت می باشد و از چندین نفر تحقیق شده است. قرار بود این جلسه در اولین روزهای امسال برگزار شود اما درباره تشکیل یا عدم تشکیل آن اطلاعی ندارم."

اژه ای رئیس دستگاه ماشین آدمکشی بهتر از هر کس قاتلان ستار بهشتی را می شناسد. هدف او سرپوش گذاشتن بر این پرونده و خواباندن صدای اعتراضات است. انتظار رسیدگی حکومت آدمکشان به پرونده ستار بهشتی انتظاری عبث و بیهوده است. این پرونده و هزاران پرونده نظیر آن بسته نخواهد شد. مادر ستار بهشتی تنها نیست. میلیونها نفر در کنار او در انتظار محاکمه سران جمهوری اسلامی بجرم جنایات بیشماري هستند که این جانیان در طول حکومت خود مرتکب شده اند.

پرونده سعید مرتضوی و رادان متهمان اصلي جنایت کهریزک

دادگاه رسیدگی به پرونده قضات متهم در جنایات کهریزک، از مهمترین پرونده های حکومتی در سال گذشته بوده است. متهم اصلی این پرونده سعید مرتضوی رئیس فعلی تامین اجتماعی حکومت و احمد رضا رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی رژیم (ناجا) می باشند. تا به امروز چندین جلسه دادگاه برگزار شده است. اختلافات باندهای درون رژیم هم سایه خود را بر این پرونده انداخته است و یکی از

نزدیکان خامنه ای شاکی خصوصی این پرونده است. باز شدن این پرونده هم تحت فشار افکار عمومی صورت گرفت و عمق توحش رژیم اسلامی را به نمایش گذاشت. مرتضوی و رادان در حاشیه امن دولت و ولی فقیه هستند. به همین دلیل هم با وجود شواهد و مدارک متعدد در همه دادگاههایی که برگزار گردید، حکمی علیه مرتضوی صادر نشده است، اما به ناچار ۱۱ نفر از ماموران رده پائین نیروی انتظامی را مقصر اعلام کرده و حکم انفصال از خدمت به آنها دادند. رادان رسماً از اتهامات وارده تبرئه شد. در اواخر سال گذشته یکی از پادوهای مرتضوی تحت عنوان قاضی حیدری را جلوی صحنه آوردند تا مسئولیت جنایات کهریزک را به گردن او بیندازند.

پرونده مرتضوی نمونه آشکار دفاع حکومت از آدمکشان و جانیانش در برابر اتهاماتشان می باشد. حاشیه امن درست کردن، پست مقام دادن به متهمان، دادگاههای ساختگی، معرفی متهمان ساختگی دیگر به جای متهمان اصلی و شناخته شده این جنایات، يك سیاست همیشگی جمهوری اسلامی بوده و می باشد. کل سیستم قضا و حکومت جمهوری اسلامی، حکومت آدمکشان و جانیان می باشد. هر چقدر قضاوت آنها بیشتر باشد، ارج و قرب آنها در نظام بالاتر است.

پرونده متهمان دزدی هزار میلیاردی

یکی دیگر از پرونده های جنجالی سال ۹۱ بخشی از دزدی های افشا شده مقامات رژیم بود. بیش از ۸۷ مقام حکومت رسماً به عنوان دزد دستگیر و به دادگاه برده شدند. در جریان این محاکمات که در این مورد اواخر سال گذشته برگزار گردید، محاکمه شوندگان دست داشتن مقامات بالای حکومتی و بیت رهبری را در این اختلاس ها

افشا کردند. در این بین "مه آفرید خسروی" شخصیت جنجالی این محاکمات رسماً علیه مقامات رژیم اتهاماتی را طرح کرد که دزدهای بیشتری را سازمان داده اند، و آزادانه میگردند. رحیمی معاون احمدی نژاد، خاوری مدیر سابق بانک، بابک زنجانی میلیاردر دوست احمدی نژاد، علی نقی خاموشی از موتلفه، ۶ مدیر بانک ملی، ۴ مدیر باند صادرات، ۷ نفر از مقامات رژیم در اتاق بارزگانی حکومت از جمله این دزدان حکومتی می باشند. علاوه بر این برخی از متهمان در محاکمات تهدید کرده اند اطلاعاتی از دست داشتن مقامات بالای نظام در دزدهای بسیار بزرگتر دارند، در صورتی که اعمال فشار بیشتری به این متهمان وارد بیاید، دست به افشاکاری خواهند زد.

دادگاه چهار نفر را از همکاران سابق رژیم را به نامهای مه آفرید خسروی، بهداد بهزادی، ایرج شجاعی و سعید کیانی را به اعدام محکوم نمود. دولت، مجلس و بیت رهبری بشدت در تلاشند تا این ۴ نفر را به عنوان دزدان اصلی هر چه زودتر اعدام نموده، ماجرا را خاتمه یافته اعلام کرده و مانع از افشاکریهای بیشتر شوند.

این محکومین هم در میان باندهای قدرتمند مافیای مالی و اقتصادی حکومت هم حامیانی دارند که تا به امروز موفق شده اند جلوی اجرای احکام اینها را بگیرند. خود این مسئله تبدیل به يك موضوع دعوای باندهای حکومتی شده است. هر روز پرونده دزدهای بزرگتر توسط باندهای حکومتی رو میشود. جریان لاریجانی و بیت رهبری به همراه باندهایشان در تلاشند دولت احمدی نژاد را از طریق افشای دزدان دولتی زیر فشار بگذارند. متقابلاً باندهای دولتی صحبت از افشاکریهای تازه

بر علیه باند مجلسیها و بیت رهبری زده اند. نمونه دزدهای فاضل لاریجانی، افشاکری در باره مافیای قدرتمند اقتصادی حکومت در جریان حزب موتلفه و باند عسگری اولادی می باشد، که در جریان است. دولتی ها و باندهایشان در مورد این دار و دسته کنترل مبادلات ۴۰ میلیارد دلاری را مطرح می کنند که خارج از قوانین موجود حکومت و با حمایت بیت رهبری، اقتصاد ایران را در دست گرفته اند. متقابلاً مجلس و بیت رهبری خبری از دزدهای بالای ۳ هزار میلیارد تومانی "سلطان پتروشیمی" داده و گفته اند که ابعاد این دزدی بسیار بزرگتر از دزدی ۳ هزار میلیاردی می باشد. این دزدان رژیم در وزارت نفت، شرکت های پتروشیمی، صنایع وابسته به تولید مشتقات نفتی می باشند. همه این بخش ها تحت کنترل سپاه پاسداران و شرکت های وابسته به آن، بویژه قرارگاه خاتم سپاه می باشند. موضوع این سه پرونده متفاوت است، اما هر سه توحش، جنایتگری و غارتگری رژیم اسلامی را به نمایش گذاشته و نشان داده است که جمهوری اسلامی حکومت دزدان و قاتلان می باشد. دادگاهها و سیستم قضاوت اسلامی هم بخشی از همین دستگاه جنایت و غارتگری و يك نهاد قدرت و مافیائی دیگر در درون حکومت است. مردم کوچکترین باوری به این دادگاهها ندارند اما فساد و کثافت حکومت اسلامی را از جمله از طریق همین دادگاه ها دنبال کرده و عزم خود را برای به زیر کشیدن حکومت دزدان و قاتلان راسختر می کنند.

زنده باد سوسیالیسم!

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به شش ماه زندان محکوم شدند



اطلاعیه شماره ۹۸:
 بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دو نفر از رهبران شناخته شده کارگری و از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به اتهام "توهین به نظام" از سوی شعبه ۱ دادگاه جمهوری اسلامی در شهر سنندج به ۶ ماه حبس محکوم شدند.
 شریف ساعد پناه یکی از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار کارگر برای خواست افزایش دستمزدهاست. مظفر صالحی نیا در سال گذشته بخاطر حمایتش از یک کاتون خواب در کنار خیابان در هوای سرد شهر سنندج و حمایت مردم از وی، زندانی و بازداشت شد. این دو فعال کارگری در ۱۵ دی ماه سال ۹۰ دستگیر و بدنبال دو هفته مبارزات پرشور خانواده هایشان و حمایت مردم شهر،

اعتصاب، حق برگزاری مراسم های اول مه روز جهانی کارگری بگذاریم. یک شعار مهم در اول مه روز جهانی کارگر، آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

شهرلا دانشفر

Shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
 Bahram.Soroush@gmail.com
<http://free-them-now.blogspot.com>

زنده باد اول مه روز جهانی کارگری
 ۲۲ فروردین ۹۲
 ۱۱ آوریل ۲۰۱۳
 کمپین برای آزادی کارگران زندانی

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود. کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید! فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید! به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>

nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

England
 Account nr: 45 47 79 81
 Sort code: 60-24-23
 Account holder: WPI
 Branch: wood green
 Bank: Nat West
 IBAN:GB77 NWBK 6024 2345 4779 81
 BIC: NWBK GB 2L